

## آرته

## ایران

**جابه‌جایی حاشیه‌و متن**

● **عباس عبدی:** پخش مستندگونه‌ای درباره شبکه‌های اجتماعی که طی آن دختر نوجوانی را در جلوی دوربین به اعتراف و گریه وادار کردند، بازتاب بسیار بدی داشت. به‌طوری‌که نزدیکان به این رسانه نیز از این سیاست تبری جستند. به‌نظر می‌رسد که بیان مخالفت‌ها و نقد‌ها در این مورد و نیز نمونه‌های دیگر تا حدودی دچار مجادلات حادی شده است. یکی از دوستان روحانی در نقد این رفتار، سؤال کرده بود که رفصیدین گناه بزرگ است یا غارت منافع ملی؟ یا گفته‌اند تاکنون چند اخللاس‌گر را به صدواسیما آورده و از آنان اعتراف گرفته‌اند؟ به‌نظم این نوع مواجهه مشکل را حل نمی‌کند.
خب از فردا چندان اخللاس‌کننده را هم بیاورند در سیما و یک دست سیر گریه کنند و توبه نمایند، آیا مخالفت با این برنامه‌ای که از این دخترخانم پخش شد، منتفی می‌شود؟ اصولا مقایسه میان اخللاس و رفقِ مقایسه‌های نامفید است. زیرا از این طرف، رقص خود را فیلم‌برداری و خودش منتشر کرده و هیچ پنهان‌کاری از خود نشان نداده، درحالی‌که اخللاس‌کننده می‌داند مدارش جرم است و با هزار ترفند آن را پنهان نگه می‌دارد. درحالی‌که این دختر جوان اصولا کار خود را بد نمی‌داند.

### لزمت

**ضرورت اصلاح اصلاحات**

● رئیس دولت اصلاحات روز شنبه در دیدار جمعی از جوانان اصلاح‌طلب که پیش‌ترنامه‌ای در راستای اصلاح اصلاحات نوشته بودند، بر اصلاح‌پذیری اصلاحات مثل همه امور دیگر تأکید کرد. خاتمی درباره وضعیت کشور و پایگاه اجتماعی اصلاح‌طلبان و ضعف‌های موجود، با اشاره به چگونگی شکل‌گیری شورآی‌عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان گفت: «باید در کارکرد درونی اصلاحات تغییراتی ایجاد کنیم. چاره‌ای نداریم که متناسب با شرایط روز کشور و دنیا، تصمیماتی بگیریم و کار را جلو ببریم… اصلاحات، جریان است که کسی آن را خلق نکرده و مشاهده می‌شود در سیر سرنوشت جامعه در ۱۵۰ سال گذشته –که جریان‌های مختلفی وجود داشته- جریان در روند امور ظهور و بروز پیدا کرده که اسم آن از اصلاح می‌گذارم و آن جریانی است که می‌کوشد خواست تاریخی ملت را با هویت تاریخی آن همسو کند. در نقد اصلاحات، باید به این خاستگاه تاریخی توجه داشته باشیم. این‌گونه نیست که هرآن‌که مدعی اصلاح‌طلبی است را بتوان اصلاح‌طلب نامید. نقد اصلاحات و نقد اصلاح‌طلبی را باید از هم تفکیک کرد.»
خاتمی اسلام مدنظر در جمهوری اسلامی را اسلام سازگار با مودکراسی و دعوت‌کننده به عدالت، آزادی بیان و اندیشه و اجتماعات دانست و ابراز تأسفک کرد که در صد سال پیش، روحانی‌عالی‌قدر آیت‌الله تائینی از حضور مسیحی و زرتشتی و یهودی در مجلس شورای ملی و حقوق شهروندی آنان دفاع می‌کند اما امروز به عقب برگشته‌ایم و از حضور یک غیرمسلمان در شورای شهر به نام جمهوری اسلامی ممانعت می‌شود. نباید شرایط به‌گونه‌ای رقم بخورد که مردم از اصلاح‌پذیربودن سیستم ناامید شوند.

## اقتصاد

**وعد غزالی ۶۰۰ هزار تومانی‌مدیر منطقه آزادا**

● یک‌شنبه‌شب در یکی از برنامه‌های رسانه ملی کمییسی با عنوان «هزینه اضافی کجاست؟» تشکیل شد و از مردم خواست هزینه‌های اضافی مجموعه‌هایی را که به نوعی از بودجه کل کشور و بیت‌المال دریاقتی دارند معرفی کنند… در این برنامه مدارکی از ریختوپاش‌ها و هزینه‌های اضافی مدیران منطقه آزاد اروند منتشر شد و معرفی برنامه از مرتضی بانک رئیس سازمان مناطق آزاد و سردار شمخانی که عضو هیئت‌مدیره این منطقه است، خواست این هزینه‌های اضافی را بررسی و با مدیران متخلف برخورد کند. تعدادی از اسناد منتشره مربوط به بلیت‌های پرواز مدیر حوزه مدیریت‌عامل سازمان منطقه آزاد اروند است، این شخص فقط در سال ۹۶ بالغ بر ۲۰۰ میلیون ریال هزینه رفت‌ووبرگشت خود از خوزستان به تهران را از این سازمان گرفته است. این رفت‌وبرگشت‌ها به‌خاطر پروازی‌بودن این مدیر است… دولت زاین با جمعیتی ۱۱۰ میلیون‌نفری تنها با ۳۰۰ هزار کارمند اداره می‌شود… حدود ۳۰۰ هزار مدیر در واحدهای عملیاتی و ستادی در دولت حضور دارند که تعداد این مدیران معادل تعداد کل کارکنان دولت زاین است… اخیرا مسعود نیلی به صراحت از وضعیت صندوق‌های بانزستستی با دریافتی ۶۰ هزار میلیاردتومانی از بودجه عمومی دولت ابراز نگرانی کرده است، اما نکته تیرخه‌برانگیز آن است که چرا دولت یازدهم که از سال ۹۲ این مطالب و واقعیت را می‌دانست نسبت به اصلاح سیستم و مایله و دیوان اداری کشور هیچ اقدامی انجام نداد. بسیاری از کارشناسان اقتصادی معتقدند که نظام دیوانی کشور بسیار حجیم، پرهزینه، فریه و پیچیده شده است، به‌طوری‌که هم تأمین مخارجش به جامعه فشار می‌آورد و هم این‌که کار در آن به خوبی انجام نمی‌گیرد و مقررات‌زدایی و تسهیل امور مدت‌هاست که مورد بی‌توجهی قرار گرفته است.

politics@sharghdaily.ir

## سیاست

محمد بسته‌نگار از فعالان ملی مذهبی درگذشت

# روایتی از روزگار یار آیت‌الله طالقانی



محمد بسته‌نگار، روزنامه‌نویس

دستگیر شدم، همراه آقای مصطفی مفیدی و عباس رادنیسا، ما را بردند زندان قزل‌قلعه و ۴۰ روز آنجا بودیم. اواخر تیر ما را بردند زندان شهربانی، چند ساعتی آنجا بودیم و از آنجا ما را بردند زندان قصر شماره ۴ که اتفاقاً ورودم مصادف بود با ماه محرم و سخنرانی آقای طالقانی در بند.»

**هم‌نشینی با طالقانی و بازگان و سحابی**

او درباره نحوه گذران روزها در زندان با همراهی آیت‌الله طالقانی و مهدی بازارگان چنین گفته بود: «… بعد از اینکه در مرداد ماه حکم دادگاه تجدیدنظر اعضای اصلی نهضت آزادی تأیید و مشخص شد که چند سالی را باید در زندان بگذرانند، ما شروع به برنامه‌ریزی کردیم.هر دو ماه یک بار یک هیئت‌مدیره انتخاب می‌کردیم و برنامه‌ریزی با آنها بود، ما برای هر کاری یک نماینده داشتیم و برخلاف زندانیان عادی به صورت تک‌تک برای پیگیری کارهایمان در ۱۳۳۹ به عضویت نهضت آزادی درآمد و سه ماه بعد به همین دلیل زندانی شد.
بسته‌نگار پس از ماجرای ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ مجدداً به زندان رفت. اما فشار افکار عمومی بعد از اولین دادگاه نهضت آزادی، باعث شد تا دولت وقت، او را به همراه گروهی دیگر از زندانیان نهضت آزادی آزاد کند. این آزادی دیری نپایید، فعالیت او ادامه داشت و همین موضوع باعث شد برای سومین بار دستگیرشده و این بار ازسوی دادگاه به چهار سال زندان محکوم شود.
او در روایتی از این زندان به «تاریخ ایرانی» گفته بود: «خرداد سال ۴۳ وقتی برای سومین بار

### عباسعلی کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان، مطرح کرد

## بخواهند کیان نظام را برهم بزنند، شورای نگهبان وارد عمل می‌شود

**شرق:** سخنگوی شورای نگهبان در تازه‌ترین اظهار نظر خود سخنان عجیبی بر زبان آورده است. سخنانی که به نظر می‌رسد ارتباطی با حیطه وظایف شورای نگهبان ندارد. بنابر گفته او حدود و نفیور وظایف یک رئیس جمهور هم به شورای نگهبان مربوط می‌شود و اگر رئیس‌جمهوری به نظر شورای نگهبان یا از حیطه وظایفش بیرون بگذارد، احتمالاً باید منتظر رد صلاحیت در دور بعدی انتخابات باشد!
عباسعلی کدخدایی در گفت‌وگو با «عصر ایران» و در پاسخ به شایعات ردصلاحیت حسن روحانی در سال ۹۶ گفته است: «درباره آقای روحانی چنین بحث‌هایی وجود داشت، ولی در نهایت رای آوردند. شورای نگهبان به این مسائل بیهوده واکنشی نشان نمی‌دهد اما اگر به‌دنبال این باشند که کیان نظام را بر هم بزنند، قطعاً وارد عمل شده و در اینجا دیگر او رئیس‌جمهور نیست و خلاف سوگند خود عمل کرده است. مثلاً تصمیم به مذاکره با آمریکا گرفته شده اما شورای نگهبان می‌بیند که این تصمیم برخلاف سیاست‌های کلان نظام است و در این صورت دخالت خواهد کرد.»

میرحسین میرمحمدصادقی، حقوق‌دان و سخنگوی سابق قوه قضائیه، درباره حیطه وظایف شورای نگهبان به «شرق» گفت: «عملاً رویه شورای نگهبان این شده که در تصمیمات خود سیاست‌های کلی نظام را هم لحاظ می‌کند این در حالی است که بر اساس قانون اساسی، شورای نگهبان فقط باید قوانین مصوب مجلس را از نظر مغایرت‌داشتن یا نداشتن با شرح یا قانون اساسی بررسی کند، اما تفسیرشان این است که چون سیاست‌های کلی نظام در مجمع تشخیص مصلحت‌مقام تصویب و از سوی رهبری ابلاغ می‌شود، پس رعایت آن نیز حکم شرعی دارد و اگر مصوبه‌ای خلاف سیاست‌های کلی نظام باشد، آن مصوبه خلاف شرع است.» او در پاسخ به این پرسش که مگر ممنوعیت مذاکره با آمریکا دلیل سیاست‌های کلی نظام به صورت مشخص مدون شده است که ورود یک رئیس‌جمهوری در این باعث ردصلاحیتش شود، گفت: «خیر و به نظرم چنین مسئله‌ای در بحث تأیید یا ردصلاحیت مؤثر نیست.»

نعمت احمدی، حقوق‌دان، به «شرق» گفت: «بر اساس اصل ۹۹ قانون اساسی، نظارت بر انتخابات مجلس، ریاست‌جمهوری، خبرگان و… بر عهده شورای نگهبان است. وقتی صحت انتخابات تأیید شد، به لحاظ عقلی و منطقی وظیفه شورای نگهبان خاتمه‌یافته تلقی شده و پرونده انتخابات این دوره بسته می‌شود. از روزی که فرد منتخب سوگند می‌خورد و حکم ریاست‌جمهوری او به تنفیذ مقام معظم رهبری می‌رسد، دیگر آن فرد نه نامزد ریاست‌جمهوری است و نه انتخاباتی‌پیش‌رو دارد که بررسی عملکردش در حوزه نظارتی شورای نگهبان قرار گیرد. نحوه نظارت بر عملکرد رئیس‌جمهوری به قوانین و نهادها و سازمان‌های خاصی بازمی‌گردد که در هیچ متن قانونی‌ای وظیفه‌ای بر عهده شورای نگهبان گذاشته نشده است. منتهای مراتب، شورای نگهبان می‌تواند نظارت‌های برای رئیس‌جمهور در حوزه‌های نظارتی خود داشته باشد تا اگر بعد از اتمام دوره ریاست‌جمهوری و شرکت مجدد در انتخابات بعدی خواست، از آن پرونده استفاده کند. لابد چنین پرونده‌ای برای مرحوم هاشمی‌رفسنجانی در شورای نگهبان بوده است که در سال ۹۲ با وجود اینکه ایشان با تأیید شورای نگهبان و رای مردم عضو خبرگان رهبری بود و با حکم مقام معظم رهبری رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام بودند، شورای نگهبان ایشان را به‌عنوان نامزد ریاست‌جمهوری ردصلاحیت کرد. آنچه آقای کدخدایی گفته‌اند، ظاهراً برداشت شخصی

مجله «چشم‌انداز ایران» چنین تعریف کرده است: «در تبعیدگاه برازجان علاوه بر سران نهضت آزادی، افسران حزب توده هم حضور داشتند. یادم می‌آید که روز عید در یک سفره مشترک ناهار خوردیم. عصر روز عید از مقامات فرمانداری و شهرداری برازجان به دیدن زندانیان آمدند، روحیه همه بسیار خوب بود. در همین زندان بود که مهندس بازارگان درباره کتاب‌های بعثت و ایدئولوژی و نیک‌نیزی سخنرانی کرد و آنگاه به نوشته درآورد. عید سال ۴۶ را همراه سران نهضت آزادی که آزاد نشده بودند در زندان شماره ۴ قصر گذراندم. بعد سال ۴۴ و هم سال ۴۶ زندانیان ترتیبی دادند با خانواده‌هایمان ملاقات حضوری داشته باشیم و دید و بازدیدهای زندانیان از اتاق‌های همدیگر در زندان شکل جالبی داشت؛ البته در برازجان هم که بودیم تمام روز عید را ملاقات حضوری داشتیم.» او در سال ۱۳۴۶ از زندان آزاد شد، اما از ادامه تحصیل در دانشگاه محرم شد. ظاهراً دولت به دانشجویان دستگیرشده گفته بود که اگر زندامت‌نامه‌ای بنویسند سا به همکاری یا میوه‌ای که مهندس بازارگان تقسیم کرده بود را می‌خوردم. بعد کلاس درس شروع می‌شد، من نزد دکتر شیبانی فرانسه و نزد آقای طالقانی فقه و اصول می‌خواندم. مهندس بازارگان در سطح بالاتری درس فرانسه می‌داد. در این بین ورزش هم می‌کردیم؛ حتی تیم والیبال و بینگ‌بگ و دمبل و هارتل هم داشتیم. ظهر نماز جماعت می‌خواندیم که برخی زندانیان عادی هم حضور داشتند. بعد از نماز غذا می‌خوردم و سپس سکوت و خواب بعد از ظهر را داشتیم. بعد دوباره کلاس‌های درس شروع می‌شد تا پنج و شش عصر. حتی کسانی بودند که سواد نداشتند، دکتر سحابی سواد یا قرآن یادشان می‌داد. بعد از نماز مغرب و عشا جلسات شبانه شروع می‌شد. دو شب آقای طالقانی تفسیر قرآن می‌گفت، یک شب مهندس بازارگان سخنرانی داشت و یک شب دکتر سحابی. یک شب هم آزاد بود، هر یک از دوستان برنامه یا مقاله‌ای داشت، ارائه می‌کرد. شب جمعه هم آقای طالقانی سخنرانی عمومی داشت که علاوه بر خود ما زندانیان عادی هم شرکت می‌کردند…»

**روایت تبعید**

ساواک بعداً تعداد ۱۷ نفر از جمله محمد بسته‌نگار را به زندان دورافتاده برازجان که شرایطی سخت داشت، تبعید کرد. بسته‌نگار روایت خود را در ترواقف فعال سیاسی بود و چشم طمعی به قدرت نداشت

## روزنامه‌نگاری و فعالیت‌های سیاسی

ریاست‌جمهوری و خبرگان فقط و فقط مربوط به همان دوره است. در دوره بعد مجدداً نو تو بررسی صلاحیت صورت می‌گیرد. شورا ابراز اندازه‌گیری ندارد. ملا فردی می‌آید که در دوره اول خوب عمل می‌کند و در دوره دوم این‌طور نیست و اینها دیگر دست شورای نگهبان نیست. صلاحیت افراد در هر دوره‌ای در صورت صلاحیت‌داشتن یا نداشتن مجدداً مورد بررسی قرار می‌گیرد. سوابق را بررسی کرده و ممکن است سوابق ما را به همان نظر قبلی‌مان یعنی عدم تأیید یا تأیید برساند اما باید بدانیم که بررسی صورت می‌گیرد.»

**موسوی‌لاری برود توبه کند**

کدخدایی در واکنش به این سخن اخیر حجازیان که گفته بود «اگر شورای نگهبان به رفتار خودش مبنی بر رد صلاحیت‌ها ادامه دهد، ما دیگر در انتخابات شرکت نمی‌کنیم»، گفته است: «شورای نگهبان منتظر نظرات افراد نخواهد نشست. آنها خودشان می‌دانند که شرکت کنند یا نه. ما یک وظیفه قانونی داریم که طبعاً آن را انجام خواهیم داد و ملاطفه این را نخواهیم داشت که گروهی در انتخابات شرکت می‌کنند یا نمی‌کنند. بنابراین اگر اشاره به این است که شورای نگهبان از وظایف قانونی خود کوتاه بیاید، خیر و به عقیده بنده افرادی هم که این عقیده را دارند، باید خودشان را اصلاح کنند. نتیجه انتخابات هم در ادوار گذشته شورای نگهبان و چه در بحث ریاست‌جمهوری نشان‌دهنده این بوده که چرا در مجلس برخورد سیاسی نداشت‌ه و فقط وظیفه قانونی خودش را انجام داده است.»

کدخدایی درباره دلایل رد صلاحیت چهره‌های اصلاح‌طلب در انتخابات به‌ویژه بعد از رخداد‌های سال ۸۸ گفته است: «لازم است تکبکی‌یی بین اقداماتی که مجرمانه است و اقدامات سیاسی، در مورد فعالیت‌های یک فعال سیاسی صورت گیرد. جایی که اقدامات مجرمانه صورت گیرد، وظیفه شورای نگهبان این است که منطبق بر قوانین اعمال نظر کند ولی اگر فعالیتی صرفاً سیاسی باشد، هیچ معنی از سوی شورای نگهبان وجود ندارد و بخواهد مثل گذشته علی‌السویه مانند گروه‌های سیاسی عمل کند.»

او در پاسخ به این گفته موسوی‌لاری وزیر کشور دولت اصلاحات که هرگاه دولت و شورای نگهبان از نظر سیاسی همسو نبینتند، کار انتخابات به مشکل می‌خورد، گفته است: «ایشان باید بروند از این حرف توبه کنند چراکه خودشان وزیر کشور بودند و این‌گونه نیست. در صورت انتخاباتی تخلفاتی وجود دارد و لازم است که بررسی‌های بیشتری صورت گیرد. تنها انتخاباتی که تأخیر در آن صورت گرفت، انتخابات ۸۸ و آن هم با مجوز ولایت فقیه بود. شورای نگهبان باید در برابر تخلفات مسئول باشد و آنجایی که لازم است به قوه قضائیه رجوع کند.»
کدخدایی درباره تخلفات انتخاباتی هم گفته است: «از جهت گزارش‌هایی که به ما می‌رسد، بین انتخابات ۹۶ و انتخابات ۸۸ برابری بوده حتی در مصادیق هم مشابهت‌های زیادی بوده ولی انتخاباتی که تخلفاتی داشته باشد که روی انتخابات و سرنوشت انتخابات تأثیر دارد معمولاً در حوزه انتخابات مجلس داریم اما در ریاست‌جمهوری بین ۸۸ تا ۹۶ تعداد گزارش‌های تخلفات زیاد بوده و بیشتر هم در حوزه قوه مجریه بوده است چراکه وزارت کشور و قوه مجریه خود برگزارکننده هستند.» او همچنین گفته است: «بسیاری از نمایندگان علیه شورای نگهبان صحبت می‌کنند و شورا هم آگاه است بنابراین نمایندگان نباید از شورای نگهبان بترسند.»

## روزنه

### مهر تأیید مهدی کروبی بر مصوبات اعتماد ملی

● با وجود اما و اگرهایی که حجت‌الاسلام منتجب‌نیا درباره تصمیمات اخیر جلسه شورای مرکزی حزب اعتماد ملی و قائممقامی ایلاس حضرتی مطرح کرده بود، مهدی کروبی در نامه‌ای بر مصوبات جلسه شورای مرکزی مهر تأید زد.
به گزارش ایلنا، حجت‌الاسلام مهدی کروبی در احکام جداگانه‌ای و بر اساس رای اعضای شورای مرکزی، رؤسای دفتر و قائممقام حزب اعتماد ملی را منصوب کرد.
بر این اساس دبیرکل حزب اعتماد ملی در نامه‌ای با اشاره به امضای ۳۰ عضو شورای مرکزی اعتماد ملی، ایلاس حضرتی را به مدت دو سال به عنوان قائممقام این حزب تأیید و از زحمات حجت‌الاسلام منتجب‌نیا تقدیر کرد.

همچنین حسب رای اعضای شورای مرکزی انتصاب رؤسای دفاتر حزب اعتماد ملی به مدت دو سال مورد تأیید دبیرکل این حزب قرار گرفت.

بر این اساس رضا نوروززاده به عنوان رئیس دفتر اقتصادی، محمد جلیلیان به عنوان رئیس دفتر حقوقی، سعدالله خلیلی‌بیاری به عنوان رئیس دفتر فرهنگی، رحیم ابوالحسنی به عنوان رئیس دفتر سیاسی، محمدرئوف قادری به عنوان رئیس دفتر اجتماعی و اسماعیل گرمی‌مقدم به عنوان سخنگوی حزب اعتماد منصوب شدند.
تأیید مهدی کروبی در حقیقت تأیید مصوبات جلسه شورای مرکزی این حزب به تاریخ یازدهم تیرماه است که در آن وظایف دبیرکل به شورای مرکزی منتقل و ایلاس حضرتی به عنوان قائممقام حزب انتخاب شد. این انتصابات در شرایطی انجام شده

که رسول منتجب‌نیا در نامه‌ای به ایلاس حضرتی، به جلسه هفته گذشته شورای مرکزی این حزب اعتراض کرده و انتخاب ایلاس حضرتی به قائممقامی حزب اعتماد ملی را از جمله کودتا‌های انجام‌شده در حزب اعتماد ملی عنوان کرده بود.
این نامه در حقیقت جوابیه‌ای به مصاحبه ایلاس حضرتی درباره جلسه هفته گذشته شورای مرکزی حزب بوده است. منتجب‌نیا البته در این نامه به فرمان‌پذیری حلقه‌ای خاص در اعتماد ملی از آنچه احزاب تندرو اصلاح‌طلب خوانده، اشاره و ادعا کرده: «حضرت‌عالی به موفقیت حزب در انتخاب شهردار تهران اشاره کرده و آن را دلیل اثرگذرای و توفیق این حزب دانستید!آیا‌کش به معاملات و قرارومدار‌های پشت صحنه با افراد و احزاب تندرو برای رسیدن به این پیروزی و نیز ستاد تقسیم غنائم مسئولیت‌های شهرداری بین دوستان و هم‌فکران… اشاره می‌کردید.»

هفته گذشته شورای مرکزی حزب اعتماد ملی تشکیل جلسه داد. در آن جلسه، اولاً اختیارات دبیرکل محصور این حزب به شورای مرکزی منتقل شد و بعد در همین راستا، ایلاس حضرتی به‌عنوان قائممقام حزب انتخاب شد. اسماعیل گرمی‌مقدم، اعلام کرده بود که جلسه با ۳۳ نفر تشکیل شده و رسمیت داشته است. این در حالی است که یکی از اعضای احزاب اعلام کرده بود این جلسه رسمیت نداشته و قرار بوده جلسه‌ای با دستور منتجب‌نیا که قبل از حضرتی قائممقام بود، به تاریخ بیست‌ودوم تیرماه تشکیل شود، اما گروه دیگری در حزب، برای اعمال تغییرات مدظرشان دست‌به‌کار شده و جلسه ترتیب داده‌اند. گروه مقابل اما معتقدند که «منتجب‌نیا همچنان معتقد بود که او مسئول برگزاری جلسه شورای مرکزی است، درحالی‌که وظایف دبیرکلی در غیاب دبیرکل از قائممقام به هیئت اجرایی واگذار شده و به همین دلیل علی‌القاعده حضرتی، به‌عنوان رئیس هیئت اجرایی، مسئول تشکیل جلسه شورای مرکزی بوده است.» همه این ادعوا‌ها به ماجرای کنگره چهارم خرداد حزب اعتماد ملی بازمی‌گردد. حزب اعتماد ملی جمعه، چهارم خرداد، برای اصلاح اساسنامه و بعد از ۱۰ روز دومین کنگره خود را در شرایطی برگزار کرد که در تریکری کشیده شد. درگیری پیش‌آمده درباره نحوه رای‌گیری در انتخابات شورای مرکزی بود که به شیوه قیام و قعود برای ابقای شورای مرکزی فعلی انجام شده بود؛ اما گویا موضوع فراتر از نحوه رای‌گیری بوده و به دودستگی در جریان حزب بازمی‌گردد که منتجب‌نیا نیز به آن اشاره کرده بود.

منتجب‌نیا و شیخ مهدی کروب‌ی بعد از برگزاری دومین کنگره حزب، درخواست استعفا داده بودند. استعفای کروب‌ی با مخالفت اعضای شورای مرکزی روبه‌رو شد. اگرچه او در نامه خود درخواست کرده بود وظایف و اختیاراتش به شورای اجرایی منتقل شود؛ شورایی که ترکیب آن در نامه تعیین شده و از زحمات منتجب‌نیا هم تشکر شده بود. شورای اجرایی در عمل موفق نبود و به همین دلیل، وظایف در جلسه مورخ ۱۵ تیر گذشته به شورای مرکزی حزب منتقل شد.

ایلاس حضرتی اما روز گذشته در پاسخ به نامه منتجب‌نیا نوشته بود: «… این نامه یا بیانیه منتسب به دفتر ایشان است و البته من شخصاً نویسنده نامه را که به اعتباری مسئول دفتر ایشان هم هست، نمی‌شناسم. آنچه می‌دانم این است که این دفتر است و این نگاه نمی‌تواند متعلق به آقای منتجب‌نیا باشد…»
بالاخره آنچه در حزب اتفاق افتاده، قانونی است و اسناد و مدارک آن هم موجود است و ما چیزی برای پنهان‌کردن نداریم.»